

تحلیل علل اعطاء کنیه تکریمی «ام ابیها» به حضرت فاطمه زهرا(س) عالمیان، علی اکبر^۱

چکیده

به حضرت فاطمه زهرا(س) کنیه‌هایی نسبت داده شده است. یکی از کنیه‌های بسیار مهمی که به ایشان اعطاء شده است، کنیه «ام ابیها» به معنای «مادر پدر خویش» می‌باشد. تحقیق حاضر که به شیوه توصیفی-تحلیلی و نیز تحلیل محتوا و بر اساس مطالعات کتابخانه‌ای نگارش یافته است، در پی پاسخ دادن به این پرسش است که اعطاء کنیه تکریمی «ام ابیها» به حضرت فاطمه زهرا به چه دلایلی بوده است و چگونه تحلیل می‌شود؟ یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که می‌توان علل و عوامل گوناگونی را در این مورد برشمرد. از جمله علل مهم می‌توان به مواردی نظیر: کانون عواطف بودن مادر، کانون اصلی تمام فروع و نسل پیامبر(ص)، کانون اصلی فکری و فرهنگی مکتب رسول خدا(ص)، برتری بخشی نسبت به زنان پیامبر، تأکید بر مقام «سَيِّدَةُ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ»، تأکید بر مقام عصمت حضرت زهرا(س) و تأکید بر مقام عرفانی حضرت زهرا اشاره کرد و مورد بررسی قرار داد.

واژگان کلیدی: رسول خدا(ص)، حضرت فاطمه زهرا(س)، ام ابیها، تکریم، تحلیل، کنیه

^۱. عضو هیأت علمی جامعه المصطفی العالمیه، مدیر گروه تاریخ و سیره پژوهشکده حج و زیارت.

مقدمه

حضرت فاطمه زهرا(س) به عنوان برترین بانوی دو عالم، همواره مورد لطف و عنایت خاص رسول خدا(ص) قرار داشتند. تلاش‌های مجاهدانه ایشان در راه حفظ و ترویج اسلام و حمایت از پدر بزرگوارش موجب می‌شد تا همواره الطاف خاصه رسول خدا(ص) مشمول حالشان شده و بعدها در لسان سایر معصومین نیز از جایگاه بلند و ممتاز ایشان، سخن به میان آید. یکی از صدها لقب و کنیه تکریمی که به بانوی دو عالم داده شده است، کنیه تکریمی «ام‌ابیها» می‌باشد. این کنیه که از کنیه‌های خاص حضرت زهرا(س) به شمار می‌آید، دارای مضامین و مفاهیم بلندی است که تا به اکنون به آن صورت که شایسته است بدان پرداخته نشده است. در تحقیق حاضر کوشیده‌ایم تا ابعاد و علل اعطاء این کنیه تکریمی را مورد بررسی و تحلیل تاریخی قرار دهیم. در این مورد تا بدانجا که بررسی شده است، تحقیق جداگانه و مفصلی صورت نپذیرفته است. گرچه در برخی از کتاب‌ها نظیر: فاطمه الزهرا(س) بضعة قلب مصطفی(ص)، تألیف احمد رحمانی همدانی، فاطمه زهرا علیهاالسلام، تألیف محمد عبده یمانی، ام‌ابیها علیهاالسلام، تألیف علامه امینی، دو کتاب فاطمه زهرا(س) در نگاه دیگران و فاطمه زهرا(س) مظلومه تاریخ، تألیف علی اصغر رضوانی اشاراتی به این مسئله شده است، اما در همه این آثار، اشاره به صورت مختصر و گذرا و جزیی صورت گرفته و تحلیل قوی‌تری ارائه نشده است. در تحقیق حاضر کوشیده‌ایم تا به همه ابعاد و علل این مسئله بپردازیم.

با این توضیحات این تحقیق پاسخی به این پرسش است که: اعطاء کنیه تکریمی «ام‌ابیها» به حضرت فاطمه زهرا(س) به چه دلایلی بوده است و چگونه تحلیل می‌شود؟

فرق بین کنیه و لقب

درباره فرق بین کنیه و لقب نیز گفتنی است که کنیه، اسمی است غیر از اسم اصلی شخص که در اول آن لفظ «اب» یا «ابن» یا «ام» می‌آید و برای تعظیم و تکریم به کار برده می‌شود(عمید، ۱۳۸۹، ص ۸۵۶). البته بیشتر کنیه‌های اشخاص به خاطر تعظیم مقام افراد به آنان داده می‌شود(مبرد، ۱۳۸۸، ج ۲، ص ۱۰۴). فرق آن با لقب در این است که لقب اسمی است که به آن شهرت پیدا کند خواه دلالت بر ذم او باشد و خواه دلالت بر مدح او(عمید، ۱۳۸۹، ص ۸۹۰).

معناشناسی واژه «ام»

واژه «ام» در لغت به معنای مادر، مایه، اصل (معین، ۱۳۸۱، ج ۱، ص ۱۹۰) و اصل هر چیز (عمید، ۱۳۸۹، ص ۱۶۸) آمده است. به تعبیر راغب اصفهانی معنای اصلی «ام» همان «مادر» است که از لحاظ معنایی گسترش یافته و به چیزی که اصل برای وجود چیزی دیگر یا برای تربیت و اصلاح آن یا آغاز چیزی باشد اطلاق شده است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ذیل واژه «ام»). در آیات قرآنی نیز به مناسبت‌های گوناگون، خداوند از واژه «ام» استفاده کرده است. در برخی از این آیات مراد، مادر اصلی انسان است. به عنوان نمونه می‌توان به آیه ۲ سوره مجادله اشاره کرد که خداوند می‌فرماید: «إِنَّ أُمَّهَاتَهُمْ إِلَّا اللَّائِي وَلَدْنَهُمْ» یعنی همسرانشان مادران ایشان نمی‌شوند، بلکه مادران تنها همان زنائی هستند که ایشان را زاییده‌اند (طباطبایی، ۱۳۷۴ش، ج ۱۹، ص ۳۱۳). در آیه‌ای دیگر به مادر رضاعی اطلاق می‌شود: «وَأُمَّهَاتُكُمُ اللَّائِي أَرْضَعْنَكُمْ» (نساء، ۲۳، بنگرید: طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۴، ص: ۴۱۹) همچنین طبق آیه هفتم سوره شورا، خداوند از اصطلاح «أُمُّ الْقُرَى» استفاده کرده است که به معنای مرکز دهات و محل رجوع دهات بدانجا به کار می‌رود (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج: ۱۶، ص: ۸۸) در آیه ۹ سوره القارعه «فَأُمُّهُ هَاوِيَةٌ» نیز به معنای جایگاه و مرجع و سرانجام آمده است (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج: ۲۰، ص: ۵۹۷). در آیه چهارم سوره زخرف «وَأِنَّهُ فِي أُمِّ الْكِتَابِ» نیز به معنای لوح محفوظ آمده است (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج: ۱۸، ص: ۱۲۳). در بعضی از آیات «النَّبِيُّ أَوْلَىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنفُسِهِمْ وَ أَزْوَاجُهُ أُمَّهَاتُهُمْ» (احزاب: ۶) نیز به معنای همسران رسول خدا می‌آید (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج: ۱۶، ص: ۴۱۴) و در نهایت می‌توان آیات محکم الهی را یکی دیگر از برداشت‌ها از واژه «ام» دانست چنان‌که در آیه هفتم سوره آل عمران، «هُوَ الَّذِي أَنزَلَ عَلَيْكَ الْكِتَابَ مِنْهُ آيَاتٌ مُحْكَمَاتٌ هُنَّ أُمُّ الْكِتَابِ وَ آخَرُ مُتَشَابِهَاتٌ» ام‌الکتاب به همین معنا آمده است (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج: ۳، ص: ۳۰ و همچنین بنگرید به: ابوالفتوح رازی، ۱۳۷۲ش، ج ۴، ص ۱۷۵).

گونه‌شناسی معنای پدر و مادر در زبان عربی

در زبان عرب معنای پدر و مادر بیشتر در دو مورد می‌آید:

۱- والد و والده که فقط برای پدر و مادر طبیعی اطلاق می‌شود.

۲- «اب» و «ام»: که علاوه بر اطلاق برای پدر و مادر طبیعی، در معانی معنوی هم کاربرد دارد. مثلاً: از آیه ... «لَابِيَهُ اَزَر» (انعام، ۷۴) که منظور پدرخوانده یا عمو است. کلمه مادر و «ام» بر معانی مجازی هم دخالت دارند. به چیزی که کانون گسترش چیز دیگری باشد، می‌گویند. مانند: «ام‌القری» یا «ام‌الکتاب».

با این توضیحات مشخص می‌شود که واژه «امّ» در اینجا معنایی عام‌تر و مفهومی‌تر دارد و آوردن آن در کنار واژه «ابیه‌ها» نشان دهنده اهمیت این کنیه تکریمی می‌باشد.

نام و کنیه ام‌ابیه‌ها در طول تاریخ

گرچه کنیه ام‌ابیه‌ها به صورت خاص برای حضرت زهرا(س) مشهور است اما با نگاهی به منابع تاریخی می‌توان زنانی را یافت که این نام و کنیه را داشته‌اند. جناب حمزه بن عبدالمطلب دختری به نام ام‌ابیه‌ها داشت (مقدسی، ۱۳۷۴ ش، ج ۲، ص ۷۲۳). عبدالله بن جعفر بن ابی‌طالب نیز دختری به همین نام داشت (یعقوبی، ۱۳۷۱ ش، ج ۲، ص ۲۹۲ و ابن‌اثیر، ۱۳۷۱ ش، ج ۱۳، ص ۱۲۵) که همسر عبدالملک مروان بود. (طبری، ۱۳۷۵ ش، تاریخ طبری، ج ۹، ص ۳۸۰۰) هارون الرشید نیز دختری به همین نام از همسری به نام سکر داشت (طبری، ۱۳۷۵ ش، ج ۱۲، ص ۵۳۹۱ و ابن‌اثیر، ۱۳۷۱ ش، ج ۱۶، ص ۱۵۵). امام کاظم(ع) نیز دختری به نام «ام‌ابیه‌ها» داشته‌اند (طبری، ۱۳۷۵ ش، ج ۱۴، ص ۵۹۸۶، مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ج ۴۴، ص ۲۸۸ و ابن‌اثیر، ۱۳۷۱ ش، ج ۱۷، ص ۱۹۳) همچنین مجلسی(م) ۱۱۱۰ نقل می‌کند که حضرت امام علی(ع) دختری به نام ام‌ابیه‌ها داشته است. (مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ج ۴۲، ص ۹۰ و مقدسی، ۱۳۷۴ ش، ج ۲، ص ۷۷۳ و مسعودی، ۱۳۷۴ ش، ج ۲، ص ۶۸) ابن‌سعد(م) ۲۳۰ در الطبقات نیز نام یکی از دختران عبدالله بن حارث را «ام‌ابیه‌ها» ذکر می‌کند (کاتب واقدی، ۱۳۷۴ ش، ج ۵، ص ۱۴۶). او همچنین نام یکی از دختران محمد بن حنفیه را نیز ام‌ابیه‌ها ذکر می‌کند که مادرش برّه دختر عبدالرحمان بن حارث بن نوفل بن حارث بن عبدالمطلب بن هاشم است (کاتب واقدی، ۱۳۷۴ ش، ج ۵، ص ۲۱۰). نام دیگر افرادی که ابن‌سعد با عنوان «ام‌ابیه‌ها» ذکر می‌کند به اختصار عبارتند از:

- ۱- دختر طلحه بن عبدالله و ریحانه (کاتب واقدی، ۱۳۷۴ ش، ج ۵، ص ۲۷۷)
 - ۲- دختر عبدالله بن عبدالرحمان بن ابی‌بکر (کاتب واقدی، ۱۳۷۴ ش، ج ۵، ص ۳۱۰)
 - ۳- دختر عبیدالله بن کعب (کاتب واقدی، ۱۳۷۴ ش، ج ۵، ص ۳۸۴)
 - ۴- دختر ابراهیم بن محمد بن طلحه (کاتب واقدی، ۱۳۷۴ ش، ج ۶، ص ۱۰۸)
 - ۵- دختر واقد بن عمرو (کاتب واقدی، ۱۳۷۴ ش، ص ۱۲۶)
 - ۶- دختر عبد الرحمان بن ابی‌جهّم (کاتب واقدی، ۱۳۷۴ ش، ج ۶، ص ۱۶۰)
- با همه این مسائل به نظر می‌رسد که اولاً؛ این نام یا کنیه برای این افراد، به‌عنوان تکریم و احترام به آنان داده نشده است، ثانیاً؛ بر خلاف حضرت زهرا(س)، این نام یا کنیه برایشان شهرت نداشته و به اصطلاح بدان مشهور نگشته‌اند.

کنیه ام ابیها برای حضرت زهرا(س) در منابع تاریخی

با نگاهی به منابع اهل سنت و شیعه اعم از منابع متقدم یا متاخر می‌توان شواهد مختلفی را یافت که تعلق این کنیه را برای حضرت زهرا(س) ذکر می‌کنند. از منابع شیعه می‌توان به أبوالفرج الأصفهانی(م ۳۵۶) و علامه محمدباقر مجلسی(م ۱۱۱۰) اشاره کرد که آورده‌اند که امام صادق(ع) از پدرش امام باقر(ع) نقل کرده است که «ام ابیها» کنیه حضرت زهرا(س) بوده است(الأصفهانی، ۱۳۸۵ق، ص ۲۹ و مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۴۳، ص ۱۹). علی بن عیسی اربلی(م ۶۹۲) نیز می‌نویسد: بنابر روایات، پیامبر اکرم، دخترش را ام ابیها می‌خوانده است(اربلی، بی‌تا، ج ۱، ص ۴۳۸). از دیگر مؤرخین شیعه می‌توان به حسین بن حمدان خصیبی(م ۳۴۶) اشاره کرد که به این مسئله اشاره می‌کند(خصیبی، ۱۴۱۱ق، ص ۱۷۶). در منابع اهل سنت هم به این قضیه اشاره شده است. برخی منابع اهل سنت از امام صادق(ع) و ایشان از پدرش امام باقر(ع) نقل کرده‌اند که «ام ابیها» کنیه حضرت زهرا(س) بوده است. این منابع عبارتند از: ابوالحسن علی بن محمد بن طیب واسطی معروف به ابن مغازلی(م ۴۸۳) فقیه شافعی در کتاب: «مناقب علی بن ابی طالب(ع)»، (ابن مغازلی، ۱۳۸۴ش، ص ۲۶۷) سلیمان بن خلف بن سعد بن ایوب الباجی المالکی(م ۴۷۴) فقیه مالکی در کتاب: «التعذیل والتجریح»(ابن ایوب الباجی المالکی، بی‌تا ج ۳، ص ۱۴۹۸-۱۴۹۹). أبو عمر یوسف بن عبدالله بن عبدالبر(م ۴۶۳) مالکی در کتاب «الاستیعاب» خود آورده است: «کانت کنیه فاطمه بنت رسول الله صلی الله علیه و سلم أم أبیها».(ابن عبدالبر، ۱۴۱۲، ج ۴، ص ۱۸۹۹) علی بن محمد عزالدین بن الأثیر(م ۶۳۰) در کتاب «أسد الغلبه» می‌نویسد: «و کانت فاطمه تکنی أم أبیها، و کانت أحب الناس إلى رسول الله صلی الله علیه»(ابن الأثیر، ۱۴۰۹، ج ۶، ص ۲۲۰) شمس الدین محمد بن احمد ذهبی(م ۷۴۸) نیز می‌آورد: «هی سیده نساء هذه الأمة کنیتها فیما بلغنا أم أبیها»(ذهبی، ۱۴۱۳، ج ۳، ص ۴۳). در سایر منابع اهل سنت نظیر ابن حجر عسقلانی(م ۸۵۲)(ابن حجر العسقلانی، ۱۴۱۵، ج ۸، ص ۲۶۲)، سلیمان بن احمد طبرانی(م ۹۴۲)(طبرانی، ۱۳۹۸ق، ج ۲۲، ص ۳۹۷)، تقی الدین المقریزی(م ۸۴۵)(المقریزی، ۱۴۲۰، ج ۵، ص ۳۵۱) و محمد بن یوسف الصالحی الشامی(م ۹۴۲)(الصالحی الشامی، ۱۴۱۴، ج ۱۱، ص ۳۷) نیز به این موضوع اشاره شده است.

از این‌ها گذشته می‌توان به برخی از آثار نویسندگان اهل سنت معاصر مانند: دکتر محمد عبده یمانی(یمانی، ۱۳۷۸ش، ص ۲۹-۳۰)، احمدخلیل جمعه(جمعه، ۱۴۲۰ق، ص ۵۳۳)، و داد سکاکی(سکاکی، ۱۹۹۲م، ص ۱۳۴) اشاره کرد که به این قضیه اشاره

کرده اند.^۱ همچنین سلیمان کتانی نویسنده مسیحی در اثر معروف خودش با نام «فاطمه الزهراء وتر فی غمد» حضرت زهرا(س) را با خطاب: «یابنتول! یا ام ابیک» مورد خطاب قرار می‌دهد. (کتانی، ۱۳۹۹ق، ص ۲۴).

تحلیل علل اعطای کنیه ام‌ابیها به حضرت زهرا(س)

رسول خدا(ص) از چند نفر به‌عنوان مادر یاد می‌کند. غیر از حضرت آمنه(س) که مادر اصلی ایشان است، برخی از زنان بزرگی هم وجود داشتند که به علت پرستاری و یا محبت به ایشان، مفتخر به گرفتن لقب «اماه» از سوی رسول خدا(ص) شدند. یکی از این زنان فاطمه بنت اسد است که در نگهداری و سرپرستی از پیامبر(ص)، همراه با همسرش ابوطالب بسیار کوشا بود تا جایی که از طرف پیامبر(ص) لقب «اماه» (مادر) گرفت (ابن عبدالبر، ۱۴۱۲ق، ج ۴، ص ۱۸۹۱). ام‌ایمن زن دیگری است که رسول خدا(ص) علاقه بسیاری به او داشته و گاه او را مادر جان خطاب می‌کرده است (کاتب واقدی، ۱۳۷۴ش، ج ۸، ص ۲۳۳). اما به نظر می‌رسد کنیه ام‌ابیها به حضرت زهرا(س) دارای مقام و مفهوم بیشتر و غیر قابل مقایسه باشد. در تحلیل علل اعطای این کنیه به حضرت زهرا(س) می‌توان به ۷ علت مهم اشاره کرد:

کانون عواطف بودن مادر

مادر به‌عنوان کانون عاطفه و محبت به شمار می‌آید. رویکرد حضرت زهرا(س) نسبت به پدر بزرگوارش هم اینگونه بود به ویژه اینکه رسول خدا(ص) در شش سالگی مادر خود آمنه(س) را از دست داده بود (البلاذری، ۱۴۰۵ق، ج ۱، ص ۹۴، البیهقی، ۱۴۰۵ق، ج ۱، ص ۱۸۸) و درد بی‌مادری را تحمل کرده بود. بعدها و بعد از تولد حضرت زهرا(س)، حضرت خدیجه(س) نیز دارفانی را وداع گفته بود. (ابن هشام، بی‌تا، ج ۱، ص ۴۱۵) حضرت زهرا(س) توانست خلاء عاطفی پیامبر را پر کند و به کانون عاطفه برای ایشان تبدیل شود. به تعبیر یکی از محققین: «او کوچکترین دختر از دختران پیامبر خدا بود و پس از رحلت حضرت خدیجه(س) در خانه‌تنها زندگی می‌کرد و عهده دار امور زندگی پیامبر و در خدمت آن حضرت بود: (چون مادر پیامبر)» (یمانی، ۱۳۷۸ش، ص ۳۰)

^۱ برای مطالعه بیشتر در این مورد بنگرید به: رضوانی، علی اصغر، ۱۳۸۹، فاطمه زهرا علیهاالسلام در نگاه دیگران، قم: دلیل ما.

ایشان مانند مادر به پیامبر(ص) محبت می‌ورزید و از ایشان پرستاری می‌کرد. این محبت طرفینی بود و نشانه‌های فراوانی داشت. به‌عنوان نمونه آمده است که پیامبر(ص) دست فاطمه(س) را می‌بوسید و هنگام سفر آخرین نفر از او خداحافظی می‌کرد و پس از بازگشت از سفر نیز به دیدار اولین شخصی که می‌رفت، حضرت زهرا بود(مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۴۳، ص ۸۶)^۱ او محبوب‌ترین افراد نزد رسول خدا(ص) بود(حاکم نیشابوری، ۱۴۰۶، ج ۳، ص ۱۵۵) و به‌مثابه پاره تن ایشان به‌شمار می‌آمد. (بخاری، ۱۴۰۱ق، ج ۴، ص ۲۱۰، نسائی، ۱۴۱۱ج ۵، ص ۹۷)

کانون عاطفه بودن حضرت فاطمه زهرا(س) در حمایت مادرانه از پدر بزرگوارش را براساس منابع تاریخی می‌یابیم. در دوره حضور رسول‌الله(ص) در مکه و در عصر دعوت، مشرکین قریش و مخالفین رسول خدا(ص) انواع و اقسام آزارها را متوجه ایشان می‌کردند. اینجا نقش عاطفی بانوی بزرگ دو جهان نمایان شده و جلوه‌های حمایت ایشان از رسول خدا(ص) مشخص می‌شود. در برخی از نقل‌های تاریخی آمده است که: «مشرکان قریش در حجر اسماعیل گرد آمده بودند و می‌گفتند چون محمد(ص) عبور کند هر یک از ما به او ضربه‌ای خواهیم زد، و چون فاطمه(س) این را شنید پیش مادر رفت و سپس این مطلب را باطلاع پیامبر رساند.»(بیهقی، ۱۴۰۵ق، ج ۲، ص ۴۳).

همچنین آمده است که روزی پیامبر(ص) به حال سجده بود و گروهی از قریش گرد او بودند و مقداری از شکنجه و احشاء شتر یا گاوی که آن را کشته بودند آنجا مانده بود، گفتند چه کسی این شکنجه را برمی‌دارد و بر پشت پیامبر می‌گذارد، عقبه بن ابی معیط این کار را انجام داد. فاطمه(س) آمد و آن را از پشت پیامبر برداشت و به کسی که این کار را کرده بود نفرین فرمود.(بیهقی، ۱۴۰۵ق، ج ۲، ص ۴۳) همچنین آمده است که پیامبر(ص) در سایه کعبه نماز می‌خواند، ابوجهل و گروهی از قریش گفتند کسی بفرستیم و احشاء و کثافات گوساله‌هایی را که کشته‌اند بیاورد و چون آوردند آن‌ها را میان شانه‌های پیامبر(ص) گذاشتند در این هنگام فاطمه(س) آمد و آنها را برداشت.(بیهقی، ۱۴۰۵ق، ج ۲، ص ۴۴ و ص ۲۵۵)

رفتار مادرانه حضرت فاطمه(س) نسبت به رسول خدا(ص) به اندازه‌ای بود که آمده است: «روزی پدر را گریان و ناراحت یافت و چون علت را پرسید و پیامبر(ص) هم از ذکر

^۱. عایشه همسر رسول خدا در این مورد می‌گوید: «ما رأیت من الناس أحدا أشبه كلاما وحديثا برسول الله من فاطمة. كانت إذا دخلت عليه رحت به، وقبّلت يديه، وأجلسها في مجلسه، فإذا دخل عليها قامت إليه فرحبت به، وقبّلت يديه»(شیخ طوسی، ۱۴۱۴ق، ص ۴۰۰)

سبب ناراحتی اش خودداری کرد، حضرت به پدر عرض کرد: تا علت ناراحتی را نگویی از خوردن غذا پرهیز می‌کنم» (ابن قولویه، بیتا، ص ۱۳۲) مهر مادرانه او به اندازه ای بود که وقتی لباس پاره و چهره خسته رسول خدا(ص) را بعد از پایان یکی از غزوات دیده بود، گریان شد. (شریف رضی، بیتا، ص ۴۲)

افزون بر حمایت مادرانه از رسول خدا(ص) در دوران دعوت، در دوره تشکیل حکومت نیز این نقش حضرت زهرا(س) را به روشنی در می‌یابیم. به عنوان نمونه می‌توان به مداوای پیامبر(ص) در جریان جنگ احد اشاره کرد و اقدی در المغازی می‌نویسد: «فاطمه(س) همراه برخی از زنان بیرون آمده بود، چون چهره پیامبر(ص) را چنان دید، او را در آغوش گرفت و شروع به پاک کردن خون از چهره آن حضرت فرمود.» (اقدی، ۱۳۶۹ش، ص ۱۸۰) ابن قیم نیز می‌نویسد: «صورت رسول خدا(ص) مجروح و دندان او شکسته و کلاه خود بر سر او شکسته شد. فاطمه(س) دختر رسول خدا(ص) خون را از حضرت می‌شست و علی بن ابیطالب(ع) با کلاه خودش برای شستن این خون، آب می‌آورد و می‌ریخت. چون فاطمه(س) دید که آب خون را زیاده‌تر می‌کند قطعه حصیری برداشت و آن را آتش زد تا خاکستر شود آنگاه خاکستر را به محل جراحت چسبانید و در آن هنگام بود که توانست خون را قطع کند.» (ابن قیم الجوزیه، ۱۳۷۷ق، ج ۱، ص ۳۸)

حضور در کنار بدن جناب حمزه(س) همراه با صفیه خواهر حمزه(س) و همدردی با پیامبر(ص) در غزه احد نمونه ای دیگر از این برخورد مادرانه است. به نقل و اقدی: «...صفیه آمد و کنار پیکر حمزه نشست و چون او بلند می‌گریست پیامبر(ص) هم گریه می‌کرد و هر گاه او آهسته می‌گریست، پیامبر(ص) هم آهسته گریه می‌کردند. فاطمه(س) دختر پیامبر(ص) هم می‌گریست و آن حضرت هم با گریه او گریه می‌کرد و می‌فرمود: هرگز مصیبتی به بزرگی مصیبت تو به من نرسیده است.» (ابن قیم الجوزیه، ۱۳۷۷ق، ج ۱، ص ۲۰۹) همدردی با پدر بزرگوارش بعد از شهادت جناب جعفر بن ابیطالب(ع) در جنگ موته هم یکی دیگر از این جلوه هاست. (ابن قیم الجوزیه، ۱۳۷۷ق، ج ۱، ص ۵۸۴) همراهی در فتح مکه (ابن قیم الجوزیه، ۱۳۷۷ق، ج ۱، ص ۶۰۶) و همین طور دلسوزی برای پدر به گونه‌ای که شیخ صدوق به نقل از ابویوب انصاری می‌نویسد: «رسول خدا(ص) مریض شده بود، فاطمه(س) به عیادت او آمد در حالی که حضرت تازه از مریضی بیرون آمده بود و بدنش ضعیف بود چون در چهره رسول خدا(ص) آثار مریضی و ضعف مشاهده کرد گریه گلویش را فشرده به حدی که اشک‌هایش بر گونه‌اش جاری گشت» (ابن بابویه(شیخ صدوق)، ۱۳۶۲ش، ج ۲، ص ۴۱۲) افزون بر این مطالب، کمک به پدر در جنگ خندق و رساندن

آذوقه برای پیامبر(ص) در این جنگ(مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱۶، ص ۲۲۵) نیز یکی دیگر از رفتار عاطفی و همدلانه حضرت نسبت به پدر بزرگوارشان بود.

حضرت تا آخرین لحظه حیات پدر، از ایشان پرستاری می‌کرد به گونه‌ای که عایشه قبل از رحلت رسول خدا وقتی معاذبن جبل، جوپای حال پیامبرشده بود، او را به زهرا(س) ارجاع داد چرا که همواره در کنار رسول خدا بود. (ابن حجر العسقلانی، ۱۴۱۵ق، ج ۸، ص ۲۵۳) بی‌قراری‌های بعد از رحلت رسول خدا(ص) نیز حکایت از همین عواطف دارد به گونه‌ای که به علت کثرت گریه برای رحلت پیامبر خدا(ص)، به‌عنوان یکی از «بکائین» شناخته می‌شد(ابن شهر آشوب، ۱۳۷۶ق، ج ۳، ص ۱۰۴).

کانون اصلی تمام فروعات و نسل پیامبر

یکی دیگر از علل اعطای کنیه ام‌ایبها به حضرت زهرا(س) این است که ایشان کانون اصلی تمام فروعات و نسل پیامبر(ص) به شمار می‌آید. مادر هر چیزی، اصل و ریشه آن است مانند ام‌الکتاب و ام‌القری(مکه). ممکن است مراد پیامبر(ص) از این کنیه، این بوده که فاطمه(س)، اصل و اساس درخت نبوت است، فرزندان او، میوه‌اش و شیعیان شاخ و برگ‌های آن هستند(رحمائی همدانی، ۱۴۱۳ق، ج ۱، ص ۲۰۴-۲۰۵). در این مورد صریح‌ترین شاهد سوره کوثر است که در همین مورد وارد شده است. عاص بن وائل که از دشمنان سرسخت پیامبر(ص) به شمار می‌آمد، به این علت که عبدالله فرزند رسول خدا(ص) از دنیا رفته بود و پیامبر(ص) پسری نداشت، ایشان را ابتر به معنای بی‌نسل خطاب کرد(طبرسی، ۱۳۷۲ش، ج ۱۰، ص ۸۳۶). خداوند نیز با اعطای کوثر به معنای خیر فراوان به پیامبر(ص) وعده داد که دشمنان او ابتر خواهند بود.(مکارم شیرازی، ۱۳۷۱ش، ج ۲۷، ص ۳۶۹) کوثر همان فاطمه(س) است چرا که در سخن از کسانی است که پیامبر(ص) را بدون نسل و ذریه می‌دانستند، درحالی‌که نسل پیامبر از دخترش فاطمه(س) ادامه پیدا کرده و همان نسل است که امامت بر عهده او نهاده شده است(مکارم شیرازی، ۱۳۷۱ش، ج ۲۷، ص ۳۷۵). به تعبیر دکتر محمد عبده یمانی: «عنایت و اراده خداوندی چنین خواسته بود که سیده زنان، فاطمه زهرا(س)، آن بستر پاکی باشد که دودمان پاک را حمل کند و خاستگاه پاکیزه‌ای برای آن بوستان عطرآگین و باشراقت اهل بیت پیامبر به شمار آید. ذریه پاک فاطمه زهرا(س)، همان ذریه پیامبر خدا هستند و بهترین شاهد این مدعا، گفتار رسول خدا است: «فاطمه پاره ای از من است.»... زهرا بهره‌ای شایسته از پسر و دختر داشت و دودمان مصطفی(ص) از او استمرار یافت و بجز فاطمه، از سایر فرزندان آن حضرت فرزندی نماند.»(یمانی، ۱۳۷۸ش، ص ۲۶۸=۲۶۹). وی همچنین می‌افزاید: «طبیعی است که زهرا

مادر پیامبر باشد در رسالتش، نه در ولادتش و شاید این بر قلم تقدیر گذشته و پیامبر می دانسته که جز وجود زهرا، نسلی نخواهد داشت و تنها اوست جریانی اصیل از نور رسالت را در بستر تاریخ و در همه عصرها بر دوش خواهد کشید تا بشریت از این نور فیاض روشنایی گیرد و به همین دلیل بود که پیامبر نسبت به زهرا محبت شدید داشت. «مکارم شیرازی، ۱۳۷۱ ش، ج ۲۷، ص ۳۰».

کانون اصلی فکری و فرهنگی مکتب رسول خدا(ص)

از دیگر علل اعطای کنیه ام ابیها به حضرت زهرا(س) می توان به ریشه فکری و فرهنگی بودن مکتب رسول خدا(ص) اشاره کرد که پاسداری اش به امامت است و ریشه اش حضرت زهرا(س) است. رسول خدا(ص) به حضرت زهرا(س) می فرماید: «إِنَّ بَطْنَ أُمَّكَ كَانَتْ لِلْإِمَامَةِ وَعَاءً» (مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ج ۴۳، ص ۴۳) یعنی شکم مادر تو ظرف امامت بود. اشاره رسول الله(ص) به حضرت خدیجه(س) بود که از بطن مبارکش حضرت زهرا(س) به دنیا آمد و از بطن حضرت زهرا(س) نیز ائمه طاهرین(ع) متولد شدند.

خداوند، امامت را ادامه رسالت و همتای آن می داند. از این رو در حادثه جهانی غدیر خم به پیامبر اکرم(ص) می فرماید: اگر نصب علی بن ابی طالب(ع) را به دست خود انجام ندهی و ولایت را تبیین نکنی، اصلاً به رسالت الهی عمل نکرده ای؛ یعنی رسالت منهای امامت معادل با رسالت منهای رسالت است، زیرا آنچه اساس رسالت را حفظ می کند همان امامت است (جوادی آملی، ۱۳۸۷ ش، ص ۷۹).

از نگاه مکتب تشیع، امامت از اصول عقاید اسلامی بوده (سبحانی، ۱۴۱۷ ق، ج ۴، ص ۱۰) و به عنوان خلافت خدا و پیامبر(ص) به شمار آمده (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۱۵۵) و امری واجب می باشد که وجوب آن وجوب کلامی است؛ یعنی علی الله واجب می باشد. (حلی، ۱۳۸۲ ش، ص ۳۶۲) امامت به معنای جانشینی پیامبر(ص) در امور دینی است (فاضل مقداد، ۱۴۰۵ ق، ص ۳۲۵-۳۲۶) و به همین خاطر همان گونه که گفته شد ادامه رسالت و همتای آن به شمار می آید. از آنجایی که امامت ریشه فکری و فرهنگی مکتب رسول خدا(ص) به شمار می آید و این پدیده الهی از نسل مبارک حضرت صدیقه کبری(س) شکل پذیرفته است، بر همین اساس می توان یکی از دلایل ام ابیها نامیدن حضرت را همین مسئله دانست.

برتری بخشی نسبت به زنان پیامبر(ص)

براساس آیه قرآن، همسران پیامبر(ص)، با کنیه «أُمُّ الْمُؤْمِنِينَ» گرامی داشته شده اند. آیه شش سوره احزاب به این نکته اشاره می کند که «النَّبِيُّ أَوْلَىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنفُسِهِمْ وَ

أَزْوَاجَهُ أُمَّهَاتُهُمْ.....» پس از نزول این آیه، همسران رسول خدا(ص) به ام‌المؤمنین ملقب شدند و این لقب برای آنها به یک عنوان و جایگاه تبدیل شد. این مسئله موجب شد تا برخی از افرادی که بیمار دل بودند، جهت بالاتر نشان دادن جایگاه بعضی از همسران رسول خدا(ص) نسبت به حضرت زهرا(س)، این آیه و لقب را بهانه قرار دهند. این درحالی است که علت نزول این آیه چیز دیگری است. مفسر شریف المیزان ذیل این آیه می‌نویسد: «اینکه زنان رسول خدا(ص) مادران امتند، حکمی است شرعی و مخصوص به آن جناب، و معنایش این است که همان‌طور که احترام مادر، بر هر مسلمان واجب، و ازدواج با او حرام است، هم‌چنین احترام همسران رسول خدا(ص) بر همه آنان واجب، و ازدواج با آنان بر همه حرام است..... پس تشبیه همسران رسول خدا(ص) به مادران، تشبیه در بعضی از آثار مادری است، نه همه آن‌ها، چون مادر به غیر از وجوب احترام و حرمت نکاح، آثار دیگری نیز دارد، از فرزند خود ارث می‌برد، و فرزند از او ارث می‌برد، و نظر کردن به روی او جائز است، و با دخترانی که از شوهر دیگر دارد نمی‌شود ازدواج کرد، چون خواهر مادری آدمی است، و نیز پدر و مادر مادر، جد و جده آدمی است، و برادرانش دایی، و خواهرانش خاله انسان است، ولی همسران رسول خدا(ص) به غیر از آن دو حکم، احکام دیگر مادری را ندارند.» (طبایطی، ۱۳۷۴ ش، ج ۱۶، ص ۴۱۴).

مفسر تفسیر نمونه نیز ذیل این آیه می‌آورد: «خداوند تاج افتخاری بر سر زنان پیامبر زده، و آنها را به‌عنوان «ام‌المؤمنین» (مادر مؤمنان) معرفی نموده، بدیهی است همیشه مقدمات حساس و افتخارآفرین، وظائف سنگینی نیز همراه دارد، چگونه زنان پیامبر(ص) می‌توانند «ام‌المؤمنین» باشند، ولی فکر و قلبشان در گرو زرق و برق دنیا باشد؟ از این گذشته، نه‌تنها پیامبر(ص) به مقتضای آیات پیشین «اسوه» مردم است که خانواده او نیز باید اسوه خانواده‌ها، و زنانش مقتدای زنان با ایمان تا دامنه قیامت، گردد. پیامبر(ص)، پادشاه نیست که حرم‌سرائی داشته باشد پر زرق و برق، و زنانش غرق جواهرات گران قیمت، و وسائل تجملاتی باشند. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱ ش، ج ۱۷، ص ۳۰۱) آیت‌الله شهید مطهری(م: ۱۳۵۸) نیز تأکید می‌کند که: «حکمت این لقب و سر ممنوعیت ازدواج با زنان پیامبر(ص) مورد سوء استفاده قرار نگرفتن و ابزار نشدن همسران پیامبر(ص) است که دارای شهرت و احترام در میان مسلمانان بودند و این احتمال وجود داشت که توسط عناصر خودخواه و ماجراجو برای رسیدن به اهداف سیاسی و اجتماعی طعمه واقع شوند.» (مطهری، ۱۳۸۴ ش، ج ۱۹، ص ۴۳۱)

بر همین اساس به نظر می‌رسد برای رفع شبهه برترین زنان نامیده شدن همسران پیامبر(ص)، فاطمه(س) ملقب به کنیه تکریمی ام‌ابیها شد تا این نکته یادآور شود که اگر همسران پیامبر، مادر مؤمنان هستند، فاطمه، مادر پیامبر است و این مقام، مقامی بالاتر و رفیع‌تر نسبت به همه زنان است.

نتیجه

براساس آنچه گفته شد می‌توان نتیجه‌گرفت که حکمت اعطاء کنیه تکریمی «ام‌ابیها» به حضرت فاطمه زهرا(س) ریشه در علل ۷ گانه ای دارد که ذکر آن گذشت. البته ناگفته پیداست که علل ۷ گانه‌ای که ذکر شده است، بر اساس تحقیق و بررسی‌های نگارنده بوده است و ممکن است محقق دیگری با کنکاش در این مسئله به یافته‌های جدیدتری دست یابد. حضرت صدیقه طاهره(س) برترین بانوی دو جهان و مورد تکریم ویژه رسول خدا(ص) و ائمه طاهرین(ع) و صحابه خاص بوده و در بسیاری از منابع اهل سنت مورد احترام می‌باشد. به نظر می‌رسد که رسول خدا(ص) جهت تأکید بر سفارشات خود مبنی بر حفظ شانیت دختر گرانقدرش و یادآوری لزوم تکریم و تقدیس حضرت فاطمه زهرا(س)، کنیه تکریمی «ام‌ابیها» را به ایشان اعطاء کرده باشد. رسول خدا(ص) درصدد بود تا جنبه تکریم دختر گرانقدرش را با این کنیه برشمرده و مورد تأکید قرار دهد. ایشان از یک سو بر کانون عواطف بودن حضرت صدیقه طاهره(س) تأکید می‌کند و از سوی دیگر ایشان را کانون اصلی تمام فروع و نسل خود معرفی می‌کند. از دیگر سو به همگان متذکر می‌شود که حضرت فاطمه زهرا(س) کانون اصلی فکری و فرهنگی مکتب اسلام است و در ادامه آن بر برتری داشتن ایشان نسبت به زنان پیامبر(ص) تأکید می‌کنند تا اگر به تعبیر قرآن زنان پیامبر(ص) ام‌المؤمنین هستند، حضرت زهرا(س) سرور همه آنان می‌باشند. غیر از این مؤلفه‌ها به نظر می‌رسد که رسول خدا(ص) با اعطاء کنیه تکریمی «ام‌ابیها» درصدد بود تا سه مقام حضرت زهرا(س) را یادآور شود؛ یعنی مقام «سَيِّدَةُ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ»، مقام عصمت و مقام عرفانی حضرت زهرا(س).

براین اساس می‌توان نتیجه گرفت که اعطاء کنیه تکریمی «ام‌ابیها» فقط به‌خاطر نشان‌دادن علاقه ویژه رسول خدا(ص) به حضرت زهرا(س) نبود، بلکه هدف اصلی ایشان، توجه دادن جامعه به ابعاد جایگاه بی‌نظیر دختر گرانقدرش بود هر چند که بعد از رحلت رسول خدا(ص)، توجه کمی به این تأکیدات ایشان شد و قدر و منزلت سَيِّدَةُ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ ارج نهاده نشد.

منابع و مأخذ

١. ابن اثير، عز الدين علي، (١٣٧١ ش)، الكامل في التاريخ، ترجمه ابو القاسم حالت و عباس خليلي، تهران، مؤسسه مطبوعاتي علمي.
٢. ابن أيوب الهاجي المالكي، سليمان، (بي تا)، التعديل والتجريح، مراكش، وزارة الأوقاف والشؤون الإسلامية.
٣. ابن بابويه (شيخ صدوق)، محمد بن علي، (١٣٦٢ ش)، الخصال، قم، جامعه مدرسين.
٤. ابن حجر العسقلاني، احمد بن علي، (١٤١٥ ق)، الإصابة في تمييز الصحابة، بيروت، دار الكتب العلمية.
٥. ابن شهر آشوب مازندراني، محمد، (١٣٧٦ ق)، مناقب آل ابي طالب، نجف، حيدريه.
٦. ابن عبد البر، أبو عمر يوسف بن عبدالله، (١٤١٢ ق)، الاستيعاب في معرفة الأصحاب، بيروت، دار الجيل.
٧. ابن قولويه قمي، جعفر بن محمد، (بي تا)، كمل الزيارات، بيج، مؤسسة النشر الاسلامي.
٨. ابن مغازلي، علي بن محمد، (١٣٨٤ ش)، مناقب علي بن أبي طالب (ع)، قم، انتشارات سبط النبي (ص).
٩. ابن هشام، عبد الملك، (بي تا)، السيرة النبوية، بيروت، دار المعرفة.
١٠. ابوالفتوح رازي، حسين بن علي، (١٣٧٢ ش)، روض الجنان و روح الجنان في تفسير القرآن، مشهد، آستان قدس رضوي.
١١. اربلي، علي بن عيسى، (بي تا)، كشف الغمه في معرفة الاثمة، قم، منشورات الرضي.
١٢. الأصفهاني، أبو الفرج، (٣٨٥ ق)، مقاتل الطالبين، نجف، منشورات المكتبة الحيدرية و مطبعتها.
١٣. اميني، عبد الحسين، (١٣٩٢)، ام ايها عليها السلام، تهران، برگا.
١٤. بخاري، محمد بن اسماعيل، (١٤٠١ ق)، صحيح البخاري، بيروت، دار الفكر.
١٥. البلاذري، أحمد بن يحيى، (٩٥٩ م)، انساب الأشراف، مصر، دار المعارف.
١٦. البيهقي، احمد بن الحسين، (١٤٠٥ ق)، دلائل النبوة و معرفة أحوال صاحب الشريعة، بيروت، دار الكتب العلمية.
١٧. جمعه، احمد خليل، (١٤٢٠ ق)، نساء أهل البيت في ضوء القرآن والحديث، دمشق، دار اليمامة للطباعة والنشر والتوزيع.
١٨. جوادى آملی، عبدالله، (١٣٨٧ ش)، شمیم ولایت، قم، مؤسسه فرهنگي و اطلاع رسانی تبیان.
١٩. حاکم نیشابوری، محمد بن عبدالله، (١٤٠٦ ق)، المستدرک علی الصحیحین، بيروت، دار المعرفة.
٢٠. حلی، حسن بن يوسف، (١٣٨٢ ش)، كشف المراد في شرح تجريد الاعتقاد قسم الاهيات، قم، مؤسسه امام صادق (ع)، چاپ دوم.

۲۱. ذهبی، شمس‌الدین محمد بن احمد، (۱۴۱۳ق)، تاریخ الاسلام و وفیات المشاهیر و الأعلام، بیروت، دار الكتاب العربی، چاپ دوم.
۲۲. رحمانی همدانی، احمد، (۱۴۱۳ق)، فاطمة الزهراء(س) بضعة قلب مصطفى(ص)، بیروت، مؤسسة النعمان.
۲۳. سبحانی، جعفر، (۱۴۱۷ق)، الالهیات علی هدی الكتاب و السنة و العقل، قم، مؤسسة الامام الصادق، چاپ چهارم.
۲۴. سکاکی، و داد، (۱۹۹۲م)، امهات المؤمنین و بنات الرسول، قاهره، دارالفکر العربی.
۲۵. شیخ طوسی، محمد بن حسن، (۱۴۱۴ق)، الامالی، قم، مؤسسة البعثة.
۲۶. الصالحی الشلمی، محمد بن یوسف، (۱۴۱۴ق)، سبل الهدی و الرشاد فی سیره خیر العباد، بیروت، دار الکتب العلمیه.
۲۷. طباطبایی، سید محمد حسین، (۱۳۷۴ش)، تفسیر المیزان، قم، دفتر انتشارات اسلامی، چاپ: ۵.
۲۸. طبرانی، سلیمان بن احمد، (۱۳۹۸ق)، المعجم الکبیر، قاهره، مکتبه ابن تیمیه.
۲۹. طبرسی، فضل بن حسن، (۱۳۷۲ش)، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران، ناصر خسرو.
۳۰. عمید، حسن، (۱۳۸۹)، فرهنگ فارسی عمید، تهران، انتشارات راه نو.
۳۱. فاضل مقداد، مقداد بن عبدالله، (۱۴۰۵ق)، ارشاد الطالبین، قم، کتابخانه آیت الله مرعشی.
۳۲. کتانی، سلیمان، (۱۳۹۹ق)، فاطمة الزهراء و ترفی غمد، بیروت، دار الكتاب العربی.
۳۳. کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۴۰۷ق)، الکافی، تهران، دار الکتب الاسلامیه، چاپ چهارم.
۳۴. کاتب واقدی، محمد بن سعد، (۱۳۷۴ش)، الطبقات الکبری، ترجمه محمود مهدوی دامغانی، تهران، انتشارات فرهنگ و اندیشه.
۳۵. مبرد، ابوالعباس، (۱۳۸۸ق)، الکامل فی اللغة و الادب، مصر، مکتبه النهضة.
۳۶. مجلسی، محمد باقر، (۱۴۰۳ق)، بحار الانوار، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
۳۷. مسعودی، علی بن الحسین، (۱۳۷۴ش)، مروج الذهب و معادن الجواهر، ترجمه ابو القاسم پاینده، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ پنجم.
۳۸. مطهری، مرتضی، (۱۳۸۴ش)، مجموعه آثار، تهران، صدرا.
۳۹. معین، محمد، (۱۳۸۱)، فرهنگ معین، تهران، آدنا: کتاب راه نو.
۴۰. مقدسی، مطهر بن طاهر، (۱۳۷۴ش)، البدء و التاریخ، ترجمه محمدرضا شفیعی کدکنی، تهران، آگه.
۴۱. المقریزی، تقی الدین أحمد بن علی، (۱۴۲۰)، إمتاع الأسماع بما للنبی من الأحوال و الأموال و الحفدة و المتاع، بیروت، دار الکتب العلمیه.

۴۲. مكارم شیرازی، ناصر، (۱۳۷۱ش)، تفسیر نمونه، تهران، دار الكتب الإسلامية.
۴۳. نسائی، احمد بن شعيب، (۱۴۱۱ ق)، السنن الكبرى، بيروت، دار الكتب العلمية.
۴۴. واقدی، محمد بن عمر، (۱۳۶۹ش)، المغازی، ترجمه محمود مهدوی دامغانی، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، چ دوم.
۴۵. یمانی، محمد عبده، (۱۳۷۸ش)، فاطمه زهرا علیها السلام، ترجمه محمدتقی رهبر، تهران، نشر معشر.